

یادداشت

دشت، خواب اسب می‌بیند

تمید سلیمی

Hamid Salimi

مثل هر نظام تمامیت‌خواه دیگر، حکومت پهلوی هم نیاز به نمادهایی داشت تا شکوفایی اقتصادی را با اقتدار سیاسی - امنیتی خود ترکیب کند و مثل نمایشی از سرمستی و غرور به رخ همه بکشد و سرکوب‌ها و آشفته‌گی‌ها را با بزرگ‌پیشرفت و امنیت و تثبیت پنهان کند.

درست در سال‌هایی که فشر طبقه فرودست صراحتاً انکار می‌شد تا فشر «دارای» شهرت‌نشین به عنوان جامعه ایرانی تثبیت و معرفی شوند. و هم‌زمان با ورود گسترده ارز به برکت رونق بازار نفت، شاهنشاه پلند پرواز ایران وقت که هنوز - و تا سال‌ها بعد - صدای انقلاب مردم گرسنه را نشنیده بود، دو واقعه را دستمایه چنین اقدامی کرد: جشن‌های دو هزار و پانصد ساله در حوزه فرهنگ و سیاست، و بازی‌های آسیایی تهران در حوزه ورزش. برنامه‌ریزی دقیق و درستی که بر پایه آموزه‌های سیاست مدرن انتخاب شده بود، جشن، سران کشورها را به ایران کشانید و بازی‌های آسیایی، ایران را در صدر اخبار منطقه و گاهی دنیا قرار داد.

ساخت دهکده المپیک و ورزشگاه بسیار بزرگ و باشکوه آریامهر - که این روزها با عنوان مجموعه ورزشی آزادی، همچنان ستاره بلند بخت ورزش ماست - مهمترین اقداماتی بود که برای برگزاری بازی‌های آسیایی انجام شد. ورزشگاهی که در خاورمیانه آن روزها، یگانه و بی‌همتا بود و خیلی زود بدل به نمادی برای ورزش ایران شد. کم‌کم بازی فوتبال از ورزشگاه زیبای امجدیه - شهید شیرودی - به زمین سبز و باشکوه بیرون شهر منتقل شد و ورزش‌های دیگر هم از این‌جا خوان کسرترده بی‌نصب بودند. هر زمان که در بسیاری از نقاط دیگر کشور هم برنامه‌هایی در حال انجام بود، بماند که خیلی زود توفان انقلاب از راه رسید و شاه و شاه‌پرست را با خود برد.

چنین رفتارهای پوپولیستی گرچه هدفی سیاسی را دنبال می کند، نهایتاً به نفع جامعه تمام خواهد شد. اگر آن دوره رخ نمی داد و ایران به ورزشگاه‌هایی مجهز نیاز پیدا نمی کرد تا اقتدارش را به نمایش بگذارد، شاید امروز دست ما خالی تر هم بود. با این وجود ورزشگاه ساخته‌ها نتوانست - و نمی‌تواند - ورزش ما را به سمت حرفه‌ای شدن پیش ببرد و در حد همان آرایش زیبا روی صورت فلج مانده است. حالا با گذشت سال‌ها هنوز همان جا ایستاده‌ایم. ورزشگاه‌های ما نه با برنامه‌ریزی دقیق که همچنان بر پایه منافع نامشخص جاگذاری و ساخته می‌شوند، خبری از استادیوم‌هایی که آقای علی آبادی می‌گفت می‌سازیم نیست، محدودیت‌های ورزشی پابرجاست و همچنان شعارهای غلبه ورزش به شعور و برنامه‌ریزی خفه دارد.

پیش نرفتن، پاکوبیدن و گرد و خاک کردن، شعار دادن و پاسخگو نبودن اصول مدیریتی است که ظاهراً به صورت ژنتیکی از مدیری به مدیر بعدی منتقل می شود و ماهنوز خواب بهبود اوضاع را می بینیم. خدا به خیر بگذراند.

فوتبال، نماد کاپیتالیستی

ایدئولوژی سرمایه‌داری در مستطیل سبز

امیر اربابی

Amir Arbabi

فوتبال یک پدیده جهانشمول است. پدیده‌ای که دنیا را فتح کرده و با گسترش شبکه‌های اجتماعی در عصر انفجار اینترنت بیش از پیش در چشم مخاطبان می‌نشیند. این ویرترین اما فرصتی ایده‌آل برای برندهای تبلیغاتی به شمار می‌رود که با استفاده از فوتبال خود را پیش چشم مخاطب بنشانند. آمارها نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از مردم به ویژه در مناطق پرجمعیت، علاقه خاصی به فوتبال دارند. این حمایت وسیع بخشی از موجودیت تبلیغات قدرتمندانه فوتبال محسوب می‌شود. ثابت شده که این تبلیغات به طور ویژه با افراد زیر ۳۰ سال ارتباط برقرار می‌کند و این بسیار نکته مهمی به شمار می‌رود؛ زیرا تأثیر این گروه سنی بر هزینه‌هایی که کل جمعیت انجام می‌دهند، بسیار کلیدی است. نوستالژی زمانی احساس می‌شود که دستاوردهای باشگاه گذشته دیده شود، لحظات حساس و یا بازیکنان ستاره که در ورزش‌های دیگر به راحتی نمی‌توان مشاهده کرد. در طول سه دهه گذشته، ورزش نقش مهمی در درون پسانسازهای بازی و بازسازی هویت جهانی ملی، منطقه‌ای و محلی در دوران پسانساز به عهده گرفته است. با توجه به فرهنگ جهانی که توسط رسانه‌ها به نمایش گذاشته می‌شود، رویدادها به ویژه رویدادهای مهم و بزرگ ورزشی مانند بازی‌های المپیک یا جام جهانی فوتبال، به عنوان کالاهای پیشرفته به کشورهای توسعه‌یافته و اگراد می‌شوند. این بدان معناست

تولیزوین ها توسط تماشاگران و هواداران به مصرف می رسد. اما در این فرآیند مبادله ای کار ویژه مهم دیگری بر عهده دارد، بازتولید سرمایه داری. یعنی الفای ایدئولوژی سرمایه محور از طریق حمل و جابهجایی حول منطق این گفتمان در سراسر جهان با کمک رسانه ها، برگزاری رویدادهای مهم فوتبالی چون جام جهانی و در نهایت کمک به ادغام ساختار سیاسی کشورهای برگزارکننده این رویدادها در نظم جدید جهانی. در سال های گذشته، در فووتبال جهان، عمده منابع مالی که هر باشگاه به دست می آورد، از محل فروش تلیت به تماشاگران تأمین می شد. اگرچه این منبع درآمدی هنوز مهم جایگاه خود را در میان منابعی که باشگاه ها از آن برای تأمین مالی خود استفاده می کنند، حفظ کرده و در تولید ثروت برای باشگاه های طراز اول نقش قابل قبولی دارد اما اکنون با موارد دیگری همچون فعالیت های تجاری و تبلیغاتی و نیز حق پخش تلویزیونی که برای باشگاه های کوچکتر نیز کاربرد دارد، همراه شده است. جالب است توجه کنیم که تنها در چند سال اخیر، سهم بخش تجاری از کل درآمد ها به بزرگترین بخش آن تبدیل شده است. حتی به رغم اینکه حق پخش تلویزیونی از برخی شبکه ها برای باشگاه های انگلیسی در طول ۳ سال درآمدی معادل ۵ میلیارد پوند به همراه داشته است، باز هم باشگاه های طراز اول بیشترین تزریق پول را از فعالیت های تجاری خود کسب می کنند.

مواردی همچون فروش پیراهن‌های ورزشی و اسپانسر می‌توانند پول زیادی برای باشگاه‌ها به ارمغان بیاورند. همچنین



بسیاری از تیم‌های برتر انگلستان سرمایه‌هایی را از آن سوی آب‌ها جذب کرده‌اند و مالکان بین‌المللی دارند که حتی برخی از آنها خاورمیانه‌ای هستند. قراردادهای مربوط به حق پخش در آینده نیز کسر بزرگی از درآمدهای باشگاه‌ها را به خود اختصاص خواهند داد و با گسترده‌تر شدن فوتبال و بازار مشاطیان آن، جریان ورود سرمایه‌ها به آن نیز رشد خواهد کرد.

در آخر بازیگران سرمایه‌دار در جهان فوتبال چه کسانی هستند؟

۱. شیخ منصور بن زاید آل فہیان

مالک باشگاه منچستر سیتی، ثروتش بالغ بر ۲۰ میلیارد پوند تخمین زده می‌شود و علاوه بر باشگاه منچستر سیتی در انگلیس، مالک باشگاه‌های «ملبورن سیتی» استرالیا، «نیویورک سیتی» آمریکا، «بمبئی سیتی» هند و «مونت‌ویدئو سیتی» اروگوئه است. وی سهام شرکت‌های بسیار زیادی را در امارات، عربستان، انگلستان و آمریکا بر عهده دارد و با حضور در باشگاه منچستر سیتی در سال ۲۰۰۸ انقلابی در این باشگاه ایجاد کرد و باعث شد تا شرایط مالی این باشگاه انگلیسی منحل شود.

۵.۴ دیتریش ماقشیتز

مالک سه باشگاه «ردبول» سالزبورگ اتریش، لایپزیگ آلمان و NI او بنیانگذار و مدیر عامل شرکت «ردبول» بوده و برآورد می‌شود ثروت وی ۱۹/۴ میلیارد پوند است.»

۳. آندره آئیوئی

مالک باشگاه یوونتوس ثروتش ۱۳/۵ میلیارد پوند تخمین زده شده است. او کارآفرین ایتالیایی و عضو اجرایی انجمن باشگاه‌های اروپاست. او همچنین عضو هیأت مدیره کارخانه‌های فیات و آکسور می باشد.

۴. دیتما رہوپ

مالک باشگاه «هافنهایم» آلمان که ثروت وی نیز ۱۳ میلیارد

پوند برآورد شده است. او کارآفرین، بازرگان و مدیر ارشد اجرایی آلمانی است، که در سال ۱۹۷۲ با مشارکت شرکای خود شرکت نرم‌افزاری (سپ) را راه‌اندازی کرد.

۵. رومن آبراموویچ

مالک باشگاه چلسی است و ثروت او ۱۲/۴ میلیارد پوند برآورد می‌شود. عمده فعالیت این مالک روسی در حوزه نفت، گاز و فلزات است و با فروش ۷۳ درصد از سهام شرکت خود به شرکت «گازپروم» در سال ۲۰۰۵ توانست به ثروتی معادل ۱۰ میلیارد پوند دست یابد.

۶. فیلیپ آتشوتز

مالکیت باشگاه «لس آنجلس گلکسی» آمریکا را برعهده دارد و ثروت وی بالغ بر ۱۰ میلیارد پوند تخمین زده شده است. وی شرکت حفاری پدرش را در سال ۱۹۶۱ خرید و درآمد زیادی به دست آورد. او در سهام، املاک، راه آهن و شرکت‌های سرگرمی سرمایه‌گذاری کرد و از بنیانگذاران لیگ برتر فوتبال آمریکاست. او در «لس آنجلس لیکرز»، «لس آنجلس کینگز» و اماکنی چون «استیپلز استر» و ورزشگاه «آرنا» لندن و ورزشگاه «استاد هاب ستر» همساحر است.

۲. استن کروئنگه

مالک باشگاه آرسنال است و دارایی‌های وی ۹ میلیارد پوند
برآورد شده است. او شرکت توسعه املاک و مستغلات تأسیس
کرد. در اواخر دهه ۹۰ وارد تجارت در ورزش شد و ابتدا «دنور ناگتز»
را خرید؛ اما اکنون او صاحب باشگاه‌های «کلرادو اولنچ» و «کلرادو
ریپیدز» در آمریکا و «ال ای رمز» است.

٨. ناصر الخليفة

مالک باشگاه پاری سن ژرمن فرانسه که ثروت وی ۸ میلیارد پوند تخمین زده شده است. این مرد اماراتی رئیس و مدیر ارشد اجرایی شرکت (BeIN)، رئیس سرمایه‌گذاری‌های ورزشی قطر، رئیس فدراسیون تنیس قطر (QTF) است و معاون کنفدراسیون تنیس آسیا (ATF) برای غرب آسیا به شمار می‌آید.

۹. ژانگ ژیندانگ

مالک باشگاه اینتر ایتالیاست که ثروت وی ۷/۶ میلیاردی پوند برآورد شده است. این مرد چینی کارآفرین، سرمایه‌دار و مدیر ارشد اجرایی است و به‌عنوان رئیس هیأت مدیره گروه «سانینگ» فعالیت می‌کند.

۱۰. آیا وات سر یو ادا ناپرایا

مالک باشگاه لستر سیتی انگلیس است که ثروت وی برعکس پوند برآورد شده است. این مرد متحول و ثروتمند تا اینکه پس از مرگ تراژیک پدرش «ویچای سریواداناپرایا» در سانحه هلیکوپتر در سال ۲۰۱۸ مدیرعامل و رئیس مجموعه عظیم کینگ پاور (معاف از مالیات) است و علاوه بر اداره لستر سیتی، مالکیت باشگاهی ورزشی در بلژیک را بر عهده دارد.

۱۱. جان دبلیو هنری مدیرعامل گروه سرمایه گذاری فین وی

مالک باشگاه لیورپول یکی دیگر از سرمایه‌دارانی است که با خرید باشگاه بیسبال بوستون رد ساکس و باشگاه فوتبال لیورپول علاقه خود به حوزه ورزش را نشان داده است. وی که والدینی کشاورز دارد، کار خود را با تجارت ذرت و سویا در دهه ۱۹۷۰ آغاز کرد و در سال ۱۹۸۱ یک بنگاه سرمایه‌گذاری تجاری تأسیس کرد.

۱۳. خانواده گلپز

مالکوم گیلز، پدر خانواده گیلز در سال ۲۰۱۴ و بعد از ثروت‌اندوزی فراوان به لطف موفقیت در خرید و فروش املاک، بانکداری، ساخت بیمارستان، سهام و باشگاه‌داری درگذشت. وی در سال ۱۹۹۵ باشگاه راگی تامپا بی بکینز در لیگ حرفه‌ای ایالات متحده را خریداری کرد و در سال ۲۰۰۳ نیز با صرف هزینه سرسام‌آور ۷۶۰ میلیون پوند، مالکیت باشگاه متمول و سرشناس منچستر یونایتد را به دست گرفت.

در دوران مالکیت خانواده گلپز بر باشگاه منچستر یونایتد، طرفداران این تیم همواره نارضایتی خود را به دلیل بالا رفتن سطح بدهی‌های باشگاه اعلام کرده‌اند اما در همین مدت باشگاه توانسته ۵ مقام قهرمانی لیگ برتر انگلیس، ۳ قهرمانی لیگ کاپ، یک اف‌اِی کاپ، یک قهرمانی لیگ قهرمانان اروپا و یک قهرمانی لیگ اروپا را به دست آورد. بعد از مرگ مالکوم گلپز، پسرانش آوارام و جوتل گلپز به صورت اشتراکی ریاست این باشگاه را بر عهده دارند. سران باشگاه منچستر یونایتد در سال ۲۰۱۶ برای خرید پِل پوگبا از یوونتوس ۸۹/۳ میلیون پوند پرداخت کردند.